



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۷/۰۱



س. ح. روغ

به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم؟
گفتار بیست و پنجم

یک پاکت تنباکو !!!



مسافرت و مذاکرات رسمی داکتر اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان به پاکستان، و مذاکرات وی در اسلام آباد، یک رویداد تاریخی بود؛ غنی در پاکستان تصریح کرد که به تصویب لویه جرگه صلح به پاکستان آمده است؛ یعنی غنی گفت که اینجا آمده است، چون مصوبات لویه جرگه صلح را نقشه کار خود قرار داده است؛ اگر نه سرنوشت مسابقه خونینی معلوم است، که پاکستان در افغانستان براه انداخته است؛

مهمترین بخش این مسافرت بحثی بود که استاد غنی در انستیتوت مطالعات ستراتیژیک پاکستان دایر کرد؛ استاد غنی در این بحث گفت افغانستان می داند خطوط حرکات ستراتیژیک که پاکستان برای خود گزیده است، کدام ها هستند؛ ما ثابت می کنیم که پاکستان در این حرکات خود شکست خورده است؛ نه به این دلیل که پاکستان از صدور طالب مسلح به کشور ما ناتوان مانده است؛ بل به این دلیل که این حرکات ستراتیژیک پاکستان با منطق تحول گلوبال در منطقه ما متضاد واقع شده است؛ برای پاکستان فقط یک گزینه مانده است، و آن همیاری و همگرایی با یک افغانستان مستقل است؛ پاکستان اگر چنین نکند، نمی تواند در هم نشکند!

اگر می کنید، اینه چیتی! اگر نمی کنید، اونه چتی!

این درس ها در برابر سامعین متخصصی ایراد شدند که دهان شان و ااز مانده بود؛ دهان شان و ااز مانده بود، نه از این که یک رئیس جمهور افغان چنین گپ ها را می داند، بل از این که آنان دریافتند که پاکستان بطور دلهره برانگیزی در یک وضعیت بن بست فرولغزیده است؛ الجزیره طی یک تحلیل مفصل شرح داد که چرا بحران اقتصادی پاکستان یک راه برونرفت ندارد؛ و از این هم بسیار مهمتر، قرار معلوم، پاکستان در مسابقه تسلیحاتی ستراتیژیک در مقابل هند شکست خورده است!

اقدامات پاکستان در آستان مسافرت رسمی غنی، خبری نو نداشت:

یکی بطور عنعنوی به سرکوب بی خبر نهضت پشتون و بلوچ پرداخت؛ نیویارک تایمز نوشت که پاکستان در نظر دارد به یک سرکوب خونین نهضت حفاظت پشتون اقدام کند؛ دیگری بطور غیر عنعنوی یک عده اشخاص از افغانستان

را به پاکستان دعوت کرد؛ و این اشخاص در لاهور چنان دُر سفتند؛ که چند تا پنجابی گندیده از روی تمسخر به آنان بهادر گفتند؛ یک «رهبر»، طی یک بیانیه استر تیزیک فرمود:

دیورند از شما باشد! آب های افغانستان از شما باشد! معدن از شما باشد! سعدن از شما باشد! هرچی که شما می خواهید از شما باشد! و بعد انگشتِ تَر خود را با نعره تصغیر بالا کرد؛ و با قهر لرزاننده جهادی همه پنجابیان را تالا کرد: من به شما تعهد می کنم که تنبان من هم در انبان شما باشه! فقط از شما به من یک «اما بعد!» زربفت عطا باشه! همی انگشتر مفت مه شامل بخشش هنگفت شما باشه، آخر ببینین هفت نگین الماس مطلا باشه! و بیانیه خود را با یک بیت از متعدی پایان داد:

پدرم افغانستان را به هفتاد جاکتِ کوکو بفرخت

ناخلف باشم اگر من به یک پاکت تنباکو فروشم!

«رهبر» که پس آمد، به بچه گک ها گفت بیرق افغانستان را بسوزانند! این رهبر چشم ندارد که ببیند هر روزه صد ها جوان افغان در زیر همین بیرق جان خود را قربان می کنند!

و چند تا «کاندید» که از پاکستان واپس آمدند، میتینگ یک ملیون نفری خود را در ستادیوم کابل شب پایی کردند؛ اما در میتینگ فقط یک هزار نفر بی خبر، سرپایی کردند!

وقتی «کاندید» به پاکستان رفته بود، وزیر خارجه پاکستان در لوژ نشسته بود؛ و کاندید ها را در پایان نشستاریده بود و برای شان بخوان و بدان می خواند! اما همین کاندیدان وقتی به کابل آمدند، خودشان در لوژ نشستند؛ و مردم خود را در پایان جای دادند! سلسله مراتب اس، نی!

و هیچکس نفامید، که بیانیه بسیار دانشمندان و طولانی کاندید، که پنج دقیقه پایید، کی ره فارید!

در همین روز غنی ۱۷ پروژه مهم انکشافی را به ارزش ۱۷ میلیارد افغانی منظور کرد! و خبر رسید که حاصلات گندم افغانستان ۴۲٪ افزایش داشته است؛ و دولت توزیع تخم های بذری را ۵۰٪ افزایش داده است؛ افغانستان در تولید غله به سوی خودکفایی می رود؛ پاکستان گفت برای تان چند تن گندم می دهیم؛ غنی گفت سپاس، ضرورت نداریم!

و خیر رسید که در پروان برای باغداران و دهقانان رادیوی محلی زراعتی به نشرات آغاز کرد؛ و دولت کمک می کند که باغداران هزاران باغستان در ولایات جنوبی آباد کنند؛ دولت کمک می کند که جنگلات جلغوزه افغانستان احیا شود؛ و بسیار توسعه بیابد؛ و دولت کمک می کند تا جنگلات پسته افغانستان احیا شود؛ این جنگلات پسته را جهادیان بدستور پاکستان نابود کرده بودند!! درخت ها «کافر» شده بودند!!

جهاد فی سبیل پاکستان بود! دگه!!

بهرحال مهم این است که تحرک در اوضاع افغانستان، همه جانبه شده است؛ در ظرف یک هفته وزیر خارجه افغانستان در برلین، وزیر دفاع افغانستان در بروسل، و رئیس جمهور افغانستان در اسلام آباد بودند؛ در هفتم مذاکرات دوحه هم آغاز شد؛ تا کنون طالبان میگفتند که برای توافقات با امریکا ضمانت می خواهند؛ حال امریکا میگوید که برای توافقات با طالبان ضمانت می خواهند؛ بگفت صمد آغا عجب «بزن بزن و بخور بخوری هستیش!»

در این میان سفر جناب پمپو، وزیر خارجه امریکا، به کابل جالب بود؛

برای بار نخست یک نشست با پروتوکول کامل دولتی برگزار شد؛ داکتر اشرف غنی، رئیس جمهور افغانستان، در صدر مجلس نشسته بود؛

در ردیف راست غنی هیات امریکایی به ترتیب از اول به آخر جناب پمپو؛ جناب جان بس؛ جناب خلیزاد؛ و جناب میلر جای گرفته بودند؛

در ردیف چپ هیات افغانی به ترتیب از اول به آخر جناب داکتر عبدالله عبدالله؛ جناب حامد کرزی؛ جناب صلاح الدین ربانی؛ و جناب سلام رحیمی جای گرفته بودند؛

تبصره مطبوعات درباره غیرعادی بودن حضور جناب حامد کرزی در این مجلس، دقیق نبود؛ پومپو در کابل دو سخن مهم گفت:

یکی این که امریکا «آماده است» عساکرش را از افغانستان خارج کند؛

دوم این که امریکا کوشش می کند تا پیش از اول سپتامبر یک پیمان صلح منعقد شده باشد؛ و اضافه کرد که امریکا از تدویر انتخابات افغانستان حمایت می کند؛

معنا اینکه امریکا کوشش دارد پیش از تدویر انتخابات، طالبان را شامل جوانب شرکت کننده در انتخابات بسازد؛

پس با اتکا به سخنان جناب پمپو این بحث پایان داده می شود که صلح مقدم است؛ و یا انتخابات؛

و سپس این سخنان جناب پمپو توجه بیشتر می طلبد که گفت: «امریکا به نمایندگی از دولت افغانستان با طالبان مذاکره نمی کند»؛ این سخن در گام نخست بمعنای این است که امریکا تلاش ندارد در این مذاکرات جای گزین دولت افغانستان شود؛ جای دولت افغانستان در پروسه صلح محفوظ است؛ و این سخنان این معنا را هم می رساند که موضوعات طرف مذاکره در میان امریکا و طالبان، اصولاً متفاوت هستند!

غنی ضمن سخنانش گفت که «مناسب تر است کشور های دوست و شرکای بینالمللی ما از کوششهای انفرادی و پراکنده برای صلح خود داری کنند؛ به ارتباط صلح افغانستان کوشش های منسجم و متحدانه می تواند نتیجه داشته باشد»؛ غنی اخیراً افزود که «مسئولیت یک صلح نیمه تمام را بدوش نمی گیرد»

این گپ نقیب ایمن دقیق است که در «مرحله جدیدی از بحران سیاسی - امنیتی در وطن، خطر از هم پاشیدگی و تجزیه کُل کشور متصور است»؛ بلی! این خطر امروز بیش تر از هر وقت دیگر متصور است؛

سوال این است که، در چارچوب کنونی، برای رفع این خطر چی کرده می توانیم؟

برای این سوال سه پاسخ داریم:

یکی این که بگوییم پاسخ در این است که: «افغانستان یعنی کشور ناکام؛ جامعه ناکام، برنامه ناکام؛ و آرمان قوم محور و نارسیدنی»؛ این پاسخ همین چیزی را که در واقع هست، بر می دارد، تا آن را دوباره در لباس «تیوری» عرضه

کند؛ عرقریزی برای اثبات یک بحران ساختاری در افغانستان، بیهوده است؛ این بحران «در واقع» جاری است؛

مفهوم «دولت ناکام» و «دولت شکست خورده» و ضمایم نظری آن در عرصه های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی، از ۳۰ سال بدینسو رویکار شد؛ امروز، با «ارزیابی راه پیموده شده»، می دانیم که در تحت این عنوان، یک تهاجم بسیار

وسیع برنامه شده بود، که دیری بگذرد تا جهان از پیامدهای آن قد راست کند؛ امروز میدانیم که «قوم محوری آرمانی»

یکی از همین شیار های تجاوز برای غارت و چپاول «کشور های فقیر» بوده است!

دیگری این که بگوییم پاسخ در احیا و ارتقای تدریجی نظام فرو ریخته اقتصادی، و ارتقای سطح زندگی مردم، و تعمیم تعلیمات تخصصی در افغانستان، است؛ این راه را داکتر غنی می رود؛ و داکتر غنی عقیده دارد که از این راه «مفکوره وطن» دوباره به میدان می آید!

این کدام راز پوشیده نیست که غنی دست دوستی به امریکا داده است! سوم این که بگوییم ما به یک «نظریه راهی» نیاز داریم تا رهنما شود که در تحت آن یک نهضت رهایی بخش نوین در وطن برآید؛ احیای نقش و مقام سیاسی روشنفکری افغانستان فقط از این راه متصور است؛ مشکل این پاسخ در کمبود آمادگی برای قربانی نیست؛ مشکل این پاسخ در این است که فکر ورزی و «عادت به فکر کردن» در روشنفکری افغانستان هیچگاهی مستقر نبوده است؛ روشنفکر افغانستان یک اندیشمند نیاندیشمند بوده است؛ به روشنفکر افغانستان چنین «رهنمود» داده شد که کوشش فکری و نظری «خیال بافی» است! «عمل» همه چیز است! روشنفکر افغان قبل از همه باید نیروی این عادت را از سر راه خود بردارد، تا بتواند خود را جدی بگیرد؛ و ضرورت اجتناب ناپذیر و تأخیر ناپذیر کار نظری را دریابد؛ سریال «به اوضاع جاری کشور چگونه بنگریم؟» با نیت برای دست یافتن به همین «نظریه راهی» آغاز یافته است؛

اجلاس G-20، طوری که قبلاً نوشتیم، دچار تشنج بود و با یک نتیجه حداقل به پایان رسید؛ داکتر انجلا مرکل تأکید کرد که تفاوت مواضع برجا هستند؛ ماکرون تهدید کرد که اجلاس را منحل می کند؛ بهر حال اجلاس بر پروتکتیو نیزم دست رد گذاشت؛

مهمترین دستاورد این اجلاس دو «ملاقات سه جانبه» بود؛ یکی ملاقات سه جانبه ترامپ و کیم اون و هوانگ کیوان در خط سرحدی میان دو کوریا؛ ترامپ طی ملاقات با کیم گام بزرگی برداشت، و وارد قلمرو کوریای شمالی شد؛ ملاقات کنونی کیم و ترامپ هنوز هم زیر سایه تردید و تهدید قرار داشت؛ ملاقات هانوی، در میان سران دو کشور، اثر غیرمنتظره بی بر جا گذاشت؛ کیم پنج مامور عالیرتبه خود را که برای آماده ساختن ملاقات هانوی وظیفه داشتند، اعدام کرد؛ پس از آن رئیس جمهور چین به کوریای شمالی سفر کرد و پوتین با کیم ملاقات کرد؛ ترامپ برای ملاقات دیروزی پیشقدم شد، تا شاید سؤ تفاهم عمیق ناشی از ملاقات هانوی تا حدی برطرف شود؛

دیگری ملاقات سه جانبه مودی و شی پینگ و پوتین؛ طوری که در گفتار قبلی نوشتیم، تکرار این ملاقات سه جانبه که به فرق دو هفته برای بار دوم صورت می گیرد، یک گرایش بسیار نیرومند در سطح گلوبال را نشان می دهد؛ آسیا بخود بر می گردد، تا نقش رهبری در جهان آینده را از خود کند؛ بالاخره این گفت دوباره بزبان می آید که بلی آسیا یک پیکر آب و گل است؛ و همین آسیای نو، به تأکید تکرار می کند که بلی ملت افغان در این پیکر، دل است!

توافقات اصلی و دارای اهمیت تاریخی در اجلاس اوساکا صورت نگرفت؛ این توافقات دقیقاً در همان روزتدویر اجلاس اوساکا، در اینجا، در اروپا صورت گرفت و معاهده تجارت آزاد در میان اتحادیه اروپا و اتحادیه امریکای جنوبی منعقد شد؛ با این توافقات اروپا پیام بسیار جدی به واشنگتن فرستاد؛ و اروپا یک گام دیگر هم برداشت؛ اروپا در برابر روش سوال برانگیز واشنگتن، روی خود را برگردانید و عضویت روسیه در پارلمان اروپایی را احیا کرد! جهان در دیگ «نانو» می جوشد! جهان یک جامه نو می پوشد!

•
بر می گردیم به وطن!

هجوم گسترده نظامی جاری در افغانستان را کی برافروخت؟ چرا این هجوم اینقدر طولانی شد؟ چرا حتی اگر با طالبان صلح شود، هنوز هم «جنگ» ادامه خواهد یافت؟ خانشین، جانشین چی شده است، طلا یا یورانیوم یا خاک های نادره؟

سخنگوی غیر نظامی ناتو بدنبال آخرین انفجار انتحاری در کابل گفت:

«این دیوانگی باید پایان بیابد!!»

این سخنگو حقیقت می گفت؛ بلی این دیوانگی بالاخره باید پایان بیابد؛ ولی این سخنگو یک نکته بسیار بی اهمیت را نا گفته ماند:

کی در افغانستان به دیوانگی پایان دهد؟؟



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!



به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم؟ (گفتار ۲۵)

Rogh_h_۴۱_ba_aozay_watan_tshiguna_bengarem_۲۵.pdf